

# بررسی منسوجات پرزدار شمال اروپا در قرون وسطی از نظر تاریخی و تکنیکی<sup>۱</sup>

عاطفه عبدالسلامی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰

## چکیده

منسوجات به عنوان یکی از نیازهای اساسی بشر و یکی از اختراعات پرکاربرد او، در طول تاریخ به شکل‌های مختلفی ارائه شده‌اند که در سه بخش تاریخی، تکنیکی و شیمیایی قابل مطالعه و بررسی هستند. از ابتدای اختراع دوک نخ‌ریسی در دنیای باستان تا قرن حاضر، علاوه بر نحوه و کیفیت بافت و نوع مواد مورد استفاده، فرهنگ و جغرافیای هر منطقه عواملی تاثیرگذار در چگونگی شکل‌گیری انواع مختلف پارچه هستند. از این روی، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انواع خاصی از منسوجات در دنیا، معرف و مولفه منطقه خاص جغرافیایی متعلق به آن هستند که در مناطق دیگر، شناخته نشده و مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. در پژوهش حاضر، سعی شده است تا با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد مربوطه، دو نوع مختلف از شل‌های پرزدار مورد استفاده در قرون وسطی در کشورهای شمالی قاره اروپا، با نام‌های رایا و شاگی - که تاکنون کم‌تر در کانون توجه محققین قرار گرفته بوده‌اند - معرفی و تشریح گردند. پژوهش حاضر، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: مبدا تاریخی و کاربرد این منسوجات خاص چیست؟ روش بافت شل پرزدار شاگی چگونه است؟ و چرا این شل دارای ارزش بیش‌تری از نظر دینی است؟ جامعه آماری این مقاله، برخی از معروف‌ترین شل‌های پرزدار به جای مانده در کلیساها و موزه‌های مختلف جهان است که آن‌ها را با نمایش شل‌های پرزدار در شش اثر مهم هنری قرون وسطی و رنسانس تطبیق داده است. پژوهش پیش‌رو، این دستاوردهای مهم تاریخ پارچه را در دو بخش مطالعات تاریخی و تکنیکی، مورد بررسی قرار داده و در نهایت، به تشریح بازسازی یکی از انواع گوناگون این منسوجات پرداخته است؛ تا از این طریق، بتواند علاوه بر جامع بودن مطالعات، افق‌های جدیدی برای پژوهشگران رشته‌های ذی‌ربط ایجاد کند. نتایج حاصل از این پژوهش، به رابطه مستقیم تولید شل‌های پرزدار و تعالیم دینی اشاره دارد.

واژگان کلیدی: شمال اروپا، منسوجات، شل، پرزدار

## مقدمه

قرون وسطی یا سده‌های میانی دوره مهمی در تاریخ اروپاست که از سال ۴۰۰ - ۱۴۰۰ میلادی را در بر می‌گیرد. در این دوران، همه چیز در جوامع غربی مانند فرهنگ، هنر، اقتصاد و غیره در اختیار دین مسیحیت و کلیسا قرار می‌گیرد. از این روی، امروزه، می‌توان در موزه‌های مختلف دنیا نمونه‌های گوناگونی از انواع هنرها از جمله پارچه‌های به‌جای‌مانده از قرون وسطی را پیدا کرد که با رویکردی کامل، مذهبی در بخش نمادشناسی ظاهر شده‌اند. در بیش‌تر موارد، تفاوت بین پارچه‌ها در حوزه نمادشناسی نمایان شده است؛ اما در شمال اروپا، تفاوت بین پارچه‌ها، صرفاً، مختص به نمادها و تکنیک‌ها نیست؛ بلکه به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و سرمای بیش از حد هوا، همواره در طول تاریخ، مردمان این مناطق پارچه و لباس‌های خاصی را به دنیا ارائه کرده‌اند که هدف اصلی در بافت آن‌ها حفظ بدن از سرما بوده است و امروزه نیز هم‌چنان مورد استفاده ساکنین این مناطق هستند و در لباس‌های ملی برخی از کشورهای اروپایی، مانند ایسلند، مورد استفاده قرار می‌گیرند و در دنیا جزو سمبل‌ها و معرف‌های این کشورها می‌باشند. بنابراین، اولین چیزی که در این پارچه‌ها بسیار مهم و حائز اهمیت است، تکنیک بافت آن‌ها است. اما اهمیت آن‌ها زمانی چندین برابر می‌شود که با مطالعات اسنادی، می‌توان سرنخی از حضور این منسوجات در هنر مذهبی دوره‌های قرون وسطی و متعاقباً رنسانس پیدا کرد. پژوهش‌های انجام شده بر روی این منسوجات تا به امروز، بیش‌تر متمرکز بر تکنیک آن‌ها بوده و به این خاطر از کاربرد دقیق این منسوجات در طول تاریخ اطلاعات دقیقی در دست نیست و بیش‌تر یافته‌های ما منوط به حضور این پارچه‌ها در هنر نقاشی و مجسمه‌سازی قرون وسطی و دوره رنسانس است. از این روی، در این پژوهش، سعی شده است ابتدا، به بررسی تاریخ وجود این دست‌بافته‌ها در شمال اروپا، مدارک موجود در ارتباط با این منسوجات و مراکز بافت آن‌ها پرداخته شود. در بخش بعدی، به تشریح تکنیک بافت این منسوجات پرداخته شده است که به درک بیش‌تر مخاطب از این نوع خاص منسوجات در دنیا کمک شایانی می‌کند.

## پرسش‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، سعی بر این است تا منسوجات پرزدار شمال اروپا در قرون وسطی از منظر تاریخی و تکنیکی بررسی شوند، پرسش‌های این مقاله عبارتند از:

- ۱) منسوجات پرزدار چیست؟ کاربردشان کدام است و بافت آن‌ها در اروپا مربوط به کدام دوره تاریخی است؟
- ۲) منسوجات پرزدار با چه تکنیکی بافته می‌شوند؟
- ۳) قطعات به جای مانده از این نوع منسوجات کدامند و چه ارتباطی با دین مسیحیت و هنر دینی دارند؟

## پیشینه پژوهش

آدری هانس‌هال<sup>۱</sup> (۱۹۵۱)، در مقاله «پارچه‌های پیش از تاریخ اسکاتلندی» - که در سال ۱۹۵۱ میلادی در کنفرانس جامه‌های عتیقه اسکاتلندی، ارائه کرده بود - به نوعی از منسوجات پرزدار کشف شده در اسکاتلند پرداخته است. السا گوجونسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۲)، محقق و مورخ ایسلندی، در سال‌نامه انجمن باستان‌شناسی ایسلند، در مقاله‌ای به بررسی لباس تیراندازان این کشور در قرون وسطی پرداخته و در آن از شل‌های پرزدار یاد کرده است. هم‌چنین، محقق آلمانی، شلابو<sup>۳</sup> (۱۹۷۴)، در مقاله «کاتالوگ پارچه‌های تزئینی هلند در قرون وسطی» به پارچه‌های پرزدار اشاره کرده است. کاتب و مافی‌تبار<sup>۴</sup> (۱۳۹۸)، در مقاله «بازخوانی شیوه‌های طبقه‌بندی طرح و نقش پارچه‌های تاریخی ایران» معتقدند، در مبحث پارچه با مجزا داشتن مطالعاتی با رویکردهای میان رشته‌ای، معمولاً، نقش منسوجات را به چالش کشیده و خاستگاه آن‌ها را از منظرهای متفاوت همچون نشانه‌شناسی به تعمیق درآورده‌اند. از آن جایی که، محققین کمی در حال حاضر، به این نوع خاص از منسوجات پرداخته‌اند، پژوهش حاضر، سعی در معرفی آن‌ها دارد و در این راستا، به اطلاعات موجود در مقاله‌ها و کتاب‌های انگلیسی و آلمانی زبان رجوع کرده است. پژوهش حاضر، سعی کرده تا با استناد به پژوهش‌های انجام شده، گامی فراتر بردارد و این منسوجات را هم از نظر ارزش تاریخی آن‌ها و هم از نظر تکنیک بافت‌شان مورد بررسی قرار دهد.

## روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، تاریخی و تفسیری است و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد مربوطه صورت گرفته است. پژوهش پیش رو، مطالعات مذکور را با نوع خاصی از منسوجات

## فرضیه پژوهش

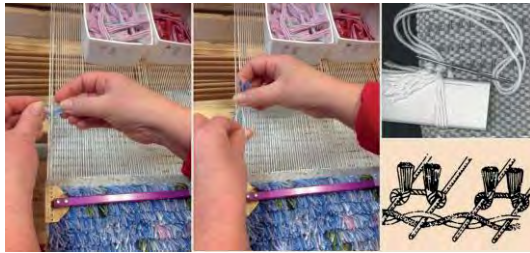
در این پژوهش، فرض بر آن است که این منسوجات، فقط برای محافظت بدن در مقابل سرما به کار می‌رفته است و به دلیل به کار بردن آن در آموزه‌های دینی، دارای ارزش فراوانی شده است.

پرزدار(شاگی)، تطبیق داده و در نهایت، به بازسازی نمونه‌ای از شنل‌های شاگی پرداخته است.

همگی بازسازی‌هایی هستند که توسط محققین مختلف انجام شده‌اند.

## بررسی تاریخی- تکنیکی انواع مختلف شنل‌های پرزدار

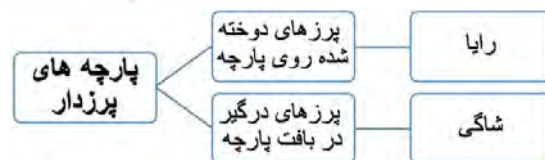
در میان مجموعه‌های پارچه در شمال و شمال غربی اروپا چند نوع محدود منسوجات پرزدار وجود دارد که تاریخ تولید آن‌ها به قرون وسطی باز می‌گردد. از آن جایی که، پژوهش‌های تاریخی درباره این نوع از منسوجات کم بوده و اکثر محققین به تحقیقات تکنیکی پیرامون آن‌ها بسنده کرده‌اند، اطلاعات دقیقی از نوع کاربرد آن‌ها در دست نیست؛ اما به نظر می‌رسد که هر یک از این منسوجات برای استفاده در مقاصد خاصی بافته می‌شدند. بررسی بقایای باستان شناسی و همچنین، منابع ادبی و تاریخی، وجود این نوع خاص از منسوجات را از قرون دهم و یازدهم میلادی در بسیاری از مناطق اروپای شمالی تایید می‌کنند که شامل هینس،<sup>۴</sup> ایسلند، دوبلین،<sup>۵</sup> جزایر مان و ایگ،<sup>۶</sup> یورک انگلستان،<sup>۷</sup> بیرکا و لوند<sup>۸</sup> در سوئد، ولین<sup>۹</sup> و اووپول<sup>۱۰</sup> در کنار رودخانه ادر<sup>۱۱</sup> در لهستان می‌شود (Peter Wild, 2000: 21). این پارچه‌ها، دارای انواع مختلفی هستند که همه آن‌ها زیر مجموعه‌های دو تکنیک خاص بافندگی‌اند. در دسته اول، پرزها به وسیله دوختن تکه‌های پشم تابیده یا موی انواع مختلف حیوانات، بر روی پارچه به وجود می‌آمده است. در حالی که، در دسته دوم، این پرزها در بافت پارچه لحاظ می‌شده‌اند. امروزه، در دنیا پارچه‌های رایا و شاگی از این دو گروه پارچه به جای مانده‌اند. در جدول ۱، به تشریح این مهم پرداخته شده است.



تصویر ۱- بازسازی پارچه پرزدار رایا (URL3).

شاگی،<sup>۱۳</sup> منسوجی می‌باشد که این مقاله به تشریح روش بافت آن پرداخته است. این نوع پارچه، یک بافته نیمه زبر با نمد پرزدار غیرتابیده است که به عنوان شنل در قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی در کشورهای ایسلند و ایرلند مورد استفاده قرار می‌گرفته است و امروزه، نمونه‌هایی از آن در دنیا باقی مانده است (تصویر ۲). مردم این کشورها، هنوز هم در طراحی لباس‌های ملی‌شان، از این شنل استفاده می‌کنند (Ibid: 204). لازم به ذکر است که از مشتقات این دو گروه پارچه، انواع مختلف دیگری نیز وجود دارند که بسته به جغرافیا و نوع استفاده از آن‌ها، گاهی زمینه بافت بین زبر و نرم، گاهی اوقات، بسیار فشرده و گاهی، به صورت غیر فشرده بوده است. نوع قرارگیری پرز در این نوع منسوجات، متنوع است و با توجه به محدوده جغرافیایی ذکر شده، می‌توان گفت منسوجات پرزدار برای تولید کلاه، شنل و یا احتمالاً برای سایر پوشش‌ها، به منظور مقابله با هوای نامناسب به کار می‌رفته است.

جدول ۱. گروه‌بندی پارچه‌های پرزدار



رایا<sup>۱۲</sup> یک بافته زبر از نمد پرزدار تابیده شده است (تصویر ۱). طبق مدارک موجود، در طول هزاران سال، به عنوان لباس محلی مورد استفاده بوده است (Schlabow, 1974: 202). از این نوع پارچه، هیچ قطعه‌ای که مربوط به قرون وسطی باشد، در دنیا باقی نمانده است و نمونه‌هایی که در دست داریم،



تصویر ۲- شنل شاگی، کلکسیون موزه پیت ریور آکسفورد (URL1).

برخاسته شدن پرز از طریق پوش دادن الیاف کرکی بود استفاده کرده‌اند. تا حدودی، همین روش برای تولید ماهوت(نوعی پارچه کلفت پرزدار)، در اواخر قرون وسطی به کار گرفته می‌شد. محققین، با استناد به مطالعات آزمایشگاهی، ادعا نموده‌اند که قطعه قدیس بریجید، بعد از پوش دادن، به عسل آغشته شده تا پرزها به صورت فرخورده درآید. به هر حال تجزیه ساختاری دقیق نشان داده است که ساختار سطح، نمی‌تواند با شانه زدن یا برس کشیدن باعث برخاستن پرزها شده باشد و حتماً، به ماده‌ای برای نگهداری پرزها به این شکل احتیاج است (Ibid:10). علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که این قطعه با استفاده از یک پود پرزدار جداگانه، بافته شده باشد. این روش مشابه منسوجات ایرلندی است که در دوره وایکینگ دوبلین<sup>۲۳</sup> و تا اوایل قرن شانزده میلادی بافته می‌شد (Heckett, 1990: 158-159).



تصویر ۳- شنل قدیس بریجید، کلیسای جامع قدیس سالوادور، بلژیک (McClintock, 1936:33).

### نحوه تولید منسوجات شاگی

همان طور که اشاره شد، در تولید منسوجات پرزدار دو تکنیک درگیری پرز و پارچه وجود دارد. در شنل‌های شاگی - که پرزها در بافت پارچه درگیر هستند - روش کار این‌گونه بود که توده‌هایی از پشم کم‌تابیده شده و یا بسته‌هایی از موی بلند حیوانات در میان پودها قرار می‌گرفته است (Guðjónsson, 1962: 69). عوامل مختلفی، مانند جغرافیا و طبیعت هر کشور، جنس پرزهای مورد استفاده در این منسوجات را تعیین می‌کنند. مواد اولیه، شامل سلسله مراتب مختلفی از پشم، کاملاً، بدون رنگ یا رنگ شده با مواد طبیعی تا رنگ شده با پلی‌کروم‌ها متفاوت بوده است. در ادبیات ایرلندی از رنگ‌ها و طرح‌های متفاوتی از شنل‌های پرزدار نام برده است از جمله شنل‌های راه‌راه (Ibid:72). یکی از روش‌ها برای انجام این کار، استفاده از پود به رنگ‌های مختلف و یا دسته پشم برای تاثیر رشته‌ای بود و یا ترکیب هر دو روش با یکدیگر. زمینه بافته شده منسوجات ممکن بود، تافته یا سرژه ۲/۲ یا ۱/۲ باشد (تصویر ۴). پرزها در عرض

شمالی نگاری‌ها و منابع مکتوب اشاره به منسوجات پرزدار دارند که از اوایل قرون وسطی به بعد وجود داشته‌اند. اولین تصاویر ارائه شده از این نوع منسوجات، پرتره برخی واندال‌ها،<sup>۱۴</sup> حدود سال‌های ۴۵۰ میلادی است که شنل پرزدار به تن دارد (Guðjónsson, 1962: 39). در اشعار حماسی کشور ایسلند، بارها، به شنل‌های پرزدار اشاره شده است. اگرچه غالباً، به شکلی غیرتخصصی در ترجمه انگلیسی از آن‌ها به عنوان شنل خز نام برده شده است (Ibid: 68). براساس نوشته‌های اسنوری استورلوسون<sup>۱۵</sup>، ادیب، مورخ و سیاست‌مدار ایسلندی، در کتاب هایمسکرینگلا<sup>۱۶</sup> - که شرح تاریخ پادشاهی نروژ است - یکی از پادشاهان قرن دهم نروژ به نام هارالد گریکلواک<sup>۱۷</sup> به لحاظ آشنایی کاملش با این نوع شنل با نام «هارالد شنل خاکستری» شناخته می‌شد (Henshall, 1951: 25). آدام برمن<sup>۱۸</sup> در نوشته‌های خود در سال ۱۰۷۰م.، به فالدونز<sup>۱۹</sup> (نوعی دامن خاص) اشاره کرده است که توسط ساکسون‌ها - مردمانی در دشت‌های شمال آلمان بودند؛ که برخی از آن‌ها، در اوایل قرون وسطی، به بریتانیا مهاجرت کردند - با امپراتوری پروس داد و ستد می‌شد (Guðjónsson, 1962:70). در بریتانیای کبیر، ایرلندی‌ها به لحاظ استفاده از شنل‌های پرزدار در ادبیات، تاریخ و هنر در طول قرون وسطی و هم‌چنین، دوره رنسانس بسیار مشهورند (Pritchard, 1990: 163-164). در اوایل قرون وسطی، ایسلند و نروژ صادرات برخی انواع معین تولیدات محلی پارچه و لباس را - که شامل شنل‌های پرزدار می‌شد - پذیرفته و قانونی اعلام کردند. در طول این مدت، ایسلند گونه‌های زیادی از شنل‌های پرزدار را به اروپا صادر نمود که برخی از آن‌ها در قدیمی‌ترین قسمت‌های کتاب گراگاس،<sup>۲۰</sup> اولین کتاب نوشته شده قانون ایسلند - که برخی قسمت‌های آن به قرن یازدهم باز می‌گردد - به جزییات شرح داده شده‌اند (Ibid:163). یک قطعه معروف که به نام شنل قدیس بریجید<sup>۲۱</sup> ایرلندی معروف است (McClintock, 1936: 32). این شنل در کلیسای جامع قدیس سالوادور در برژ<sup>۲۲</sup> بلژیک نگهداری می‌شود (تصویر ۳). با بررسی‌های تاریخی انجام شده به نظر می‌رسد که این پارچه اصلیتی ایرلندی داشته باشد و احتمالاً، بین سال‌های ۱۰۵۴ تا ۱۰۸۷ به این کلیسا هدیه شده است (Sencer, 1985: 7).

برخی از محققین در تلاش برای توضیح این که این قطعه، چگونه به شکل حاضر درآمده است، به تشابهاتی با روش‌های مختلف سنتی ایرلند برای تولید سطح پرزدار دست یافته‌اند. در تمام این روش‌ها، برای

پارچه، ممکن است به صورت گروهی و یا جدا از یکدیگر با فواصل منظم یا نامنظم قرار گرفته باشند. زمینه بافت، ممکن است قابل رویت باشد و یا کاملاً، با پرز پوشیده شده باشد و پرزهای بافت نیز از پشت منسوج، ممکن است قابل رویت باشد یا نباشد.



تصویر ۴- نمونه سه بعدی از بافت پرزدار (URL2).

روش‌هایی که برای محکم کردن پرزها به کار گرفته می‌شد نیز متفاوت است؛ اما در نمونه‌هایی که پرز با بافت پارچه درگیر است، توسط نخ‌های تار نگه داشته می‌شود، به عبارتی، پرزها از زیر نخ‌های تار عبور می‌کنند (تصویر ۵). البته، در برخی دیگر بافندگان آن‌ها را به وسیله بستن به زمینه بافت محکم می‌نمودند. به صورت معمول، درازای پرزها به چندین سانتی‌متر می‌رسید. در قطعاتی -که از شهر هینس در کشور ایسلند به جای مانده‌اند- درازای پرزها به ۹ سانتی‌متر می‌رسند و در قطعات به دست آمده از شهر بیرکا در کشور سوئد، درازای پرزها به بلندی یک بند انگشت است (Geijer, 1938: 131).

از آن جا که منسوجات شاگی، مخصوص به کشور ایسلند می‌باشند، نمونه مورد مطالعه بافت پرزدار از شهر هینس انتخاب و بازسازی شده است (تصاویر ۵-۷). زمینه بافت این قطعه یک سرژ ساده ۲/۲، بافته شده با تار Z تاب و پود S تاب است. در نمونه مورد نظر، نخ‌های تار از نظر جنسیت، نازک‌تر و سفت‌تر نسبت به پود هستند. برای بازسازی این پارچه پرز مورد نظر، مانند نمونه اصلی آن<sup>۲۴</sup> از موی حیوانات انتخاب شده و در دسته‌های تابیده شده به هم، تهیه شده است. طبق گفته گوجونسون، برای به دست آوردن یک منسوج شاگی با کیفیت خیلی بالا، تا حدود ۵۰ دسته از پرزهای تابیده شده در هر ستون نیاز است. در اکثر نمونه‌های مورد مطالعه، پرزها از دسته‌های به هم تابیده پشم گوسفندهای ایسلندی به وجود آمده‌اند (Guðjónsson, 1962: 80). محققین همچنین، در تلاش برای پیدا کردن اندازه واقعی نخ‌ها و تراکم‌شان در برخی از نمونه‌های شاگی به دست آمده از شهرهای مختلف، به شمارش نخ‌های پارچه‌های زمینه پرداختند؛ اگرچه کیفیت نخ‌ها متفاوت بود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که، اندازه واقعی نخ‌های تار در تکه‌های به دست آمده، به ضخامت یک میلی‌متر است و پودها تا حدی سنگین‌تر

هستند. همان‌طور که اشاره شد، منسوجات پرزدار دارای دو مدل کلی هستند. منسوجاتی که پرزها، جدای از پارچه بافته می‌شوند و روی پارچه دوخته می‌شوند و منسوجاتی که پرزها بخشی از بافت آن‌ها است. در این مقاله، مراحل بازسازی یک پارچه شاگی تشریح شده است که چنان چه پیش‌تر آمده است، زمینه، بافت سرژ دارد. در ابتدا، چهار تار در نظر گرفته شده است (تصویر ۵)، این روش مانع از ظاهر شدن پود پرزها در پشت منسوج می‌شود (تصویر ۶). در بازسازی این پارچه، فاصله تارها با توجه به نمونه اصلی به دست آمده از شهر هینس انتخاب شده‌اند.



تصویر ۵- بازسازی پارچه پرزدار، مرحله جای گذاری پرزها (نگارنده، آزمایشگاه پارچه دانشگاه ملی ایسلند، ۲۰۱۹).



تصویر ۶- بازسازی پارچه پرزدار، ستون‌های کامل شده با پرز (نگارنده، آزمایشگاه پارچه دانشگاه ملی ایسلند، ۲۰۱۹).

دسته پرزها از راست به چپ، از زیر چهار نخ تار رد شده‌اند (تصویر ۶A). این کار از سمت چپ این تارها هم انجام می‌شود و نقطه به هم رسیدن پرزها، بریده و هم سطح می‌شود (تصویر ۶B). بعد از آن، معمولاً، به اندازه دو یا سه نخ تار، فاصله ایجاد می‌شود (تصویر ۶C). و این کار دوباره، با چهار تار بعدی تکرار می‌شود؛ که به بافت پارچه، نوعی تناوب می‌بخشد. به عبارتی، چهار- یا بیش‌تر- تار درگیر پرز، دو -یا سه- تار آزاد که به همین ترتیب توالی دارد. دسته پرزها از زیر تارهای پارچه رد شده و هنگامی که ستون اول با این منوال به

اتمام رسید، ستون بعدی پرزها، جای گذاری می‌شود. این کار باید به صورت متناوب و دقیق باشد؛ تا پوشش خوبی ایجاد شود. در هیچ کدام از قطعات به دست آمده از شهرها و کشورهای مختلف، این تکرار و تناوب یکسان نیست و تنها نقطه مشترک بین آن‌ها، بافت سرژه یا تافته زمینه پارچه‌ها است. بنابراین، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که، به کاربردن پرزها در پارچه‌ها آزادانه و به سلیقه بافندگان آن، بستگی داشته است که می‌توان عواملی مانند سرمای هوا و نوع استفاده از منسوج را در این سلیقه دخیل دانست؛ برای مثال نمونه‌هایی از هینس به دست آمده که پرز با بافت پارچه درگیر نشده بود و فقط روی آن دوخته شده است. به نظر می‌رسد که مقصود خلق منسوجی سبک، قابل انعطاف و گرم بوده است که پرز آن شخص پوشنده را گرم نگه دارد. در بازسازی انجام شده در راستای این پژوهش، سه نمونه پرز بر روی یک تکه پارچه بافته شده ارائه شده است که جنس پرزهای مورد استفاده به طرز فاحشی از یک‌دیگر متفاوتند (تصویر ۷). نوع سفید ضخیم، بلند، نیمه نرم و موج است. نوع قهوه‌ای از پشم نوع خاصی گوسفند است که در اسکاتلند زندگی می‌کند؛ این پرز نرم، لطیف و پیچیده به هم است؛ اما خیلی ضخیم نیست. نمونه پرز سیاه رنگ کوتاه، شل، زبر، صاف و بادوام است.

تمامی منسوجات شاگی قرون وسطی، به جز تصاویر ۲ و ۶ قید شده در همین مقاله، در طول تاریخ از بین رفته‌اند و امروزه، تنها مدارکی در کتاب‌ها و آرشیوهای مختلف از آن‌ها به جای مانده است. در این پژوهش، سعی شده تا آن‌ها را در منابع مختلف پیدا کرده و به مخاطبین معرفی کنیم (جدول ۲)

جدول ۲. منسوجات شاگی قید شده در مدارک (نگارنده).

شماره	محل کشف	نوع بافت	جنس پرز	رنگ	توضیحات
۱	بیرکا(سوئد)	تافته	پشم	قهوه‌ای	قید شده در Geijer, 1938: 21
۲	بیرکا(سوئد)	تافته	پشم	قرمز و آبی	قید شده در Ibid:22
۳	بیرکا(سوئد)	سرژه	پشم روشن	قهوه‌ای	قید شده در Guðjónsson, 1962:70
۴	جزایر مان و ایگ(آلمان)	تافته	پشم	—	قید شده در Geijer, 1938: 25
۵	دوبلین(ایرلند)	سرژه	—	قهوه‌ای تیره	قید شده در Lindström, 1981: 180
۶	Hedeby(جزیره‌ای از بین رفته در آلمان)	سرژه	پشم	—	قید شده در Guðjónsson, 1962:78
۷	هینس(ایسلند)	سرژه ۲/۲	پشم	—	قید شده در Lindström, 1981: 184

از هفت نمونه یافت شده در منابع مکتوب، در سه نمونه، بافت زمینه تافته است و در چهار نمونه دیگر، سرژه، که طبق تحقیقات انجام شده فقط در یک نمونه، به نوع سرژه اشاره شده است. با توجه به این‌که، این نمونه‌ها از کشورهای مختلف به دست آمده‌اند و با فرض بر این‌که در همان کشورها بافته شده باشند، این موضوع دلالت بر این دارد که در قرون وسطی این دو نوع بافت در تمامی این کشورها شناخته شده بوده است. از طرفی، از آن جایی که نوع پرزهای به کار رفته، فقط پشم است، می‌توان به این نتیجه رسید و این فرضیه را ثابت کرد که این منسوجات صرفاً، در فصل سرما و برای محافظت بدن به کار می‌رفته و کاربرد دیگری نداشته‌اند؛ زیرا امکان استفاده از انواع دیگر الیاف، به عنوان پرز، وجود داشته است. با توجه به این‌که از این منسوجات نمونه و عکسی به جای نمانده است، تصمیم‌گیری قطعی درباره این‌که رنگ‌های به کار برده شده طبیعی یا مصنوعی بوده‌اند و یا این‌که رنگ غالب چه رنگی بوده است، غیر ممکن می‌باشد. اما از طریق مطالعه تطبیقی آن با برخی آثار شاخص هنر، می‌توان اطلاعات زیادی درباره رنگ مورد استفاده در این شل‌ها در قرون وسطی و دوره



تصویر ۷- بازسازی پارچه پرزدار، استفاده از انواع مختلف پرز روی پارچه (نگارنده، آزمایشگاه پارچه دانشگاه ملی ایسلند، ۲۰۱۹).

با این روشی که در قرون وسطی ابداع شده و تا به امروز ادامه دارد، هر نوع پرزی که در پارچه مورد استفاده قرار گیرد، در پشت پارچه معلوم نیست و می‌توان این‌گونه برداشت کرد، این منسوجات قطعا، برای پوشیدن مورد استفاده بوده‌اند و از این روی، تلاش بافندگان در این بوده که پرزها فقط بر روی منسوجات قرار بگیرند.

مطالعه تطبیقی شل‌های شاگی به جای مانده از قرون وسطی در منابع مکتوب و تاریخ هنر

رنسانس به دست آورد. زیرا در این دوران، تصویر قدیس یحیی تعمید دهنده، یکی از مهم‌ترین قدیسان دین مسیحیت - که همیشه همراه مسیح است - ملبس به شنل‌های پرزدار بالاخص، شنل شاگی به نمایش درآمده است (فربود و فرهنگ‌پور، ۱۳۹۶: ۵۹). این قدیس از ارزش دینی و معنوی بالایی برخوردار است.

جدول ۳. مطالعه تطبیقی آثار هنری قرون وسطی و دوره رنسانس با پارچه‌های شاگی (نگارنده).

دوره ردیف	نقاشی / مجسمه	شناسنامه اثر	توضیحات
قرون وسطی		هنرمند ناشناس، قدیس یحیی، اوایل قرن دوازدهم میلادی، تورین: کلیسای سن جوانی (Stokstad, 2016: 180).	در این اثر - که نقاشی دیواری است - قدیس یحیی با شنل شاگی با رنگ قهوه‌ای به نمایش درآمده و هنرمند به خوبی، پرزها را نشان داده است.
		هنرمند ناشناس، قدیس یحیی، اوایل قرن دوازدهم، مسکو؛ موزه آندری رویلوف (Ibid: 185).	لباس زیرین قدیس یحیی شنل شاگی با رنگ قهوه‌ای تیره است.
		جووانی د بونینو، <sup>۲۵</sup> قدیس یحیی (۹)، فرارا؛ <sup>۲۶</sup> گالری عکس (Ibid: 190).	قدیس یحیی با شنل شاگی قهوه‌ای روشن و ردای آبی به نمایش درآمده است.
رنسانس		دوناتلو، <sup>۲۷</sup> قدیس یحیی، ۱۴۳۸ میلادی، ونیز؛ کلیسای سانتا ماریا گلوریوزا <sup>۲۸</sup> (Cavazzini, 2005: 110).	در این اثر، هنرمند به نمایش جزئیات شنل قدیس یحیی پرداخته است و به طور کامل، آن را نمایش داده و از رنگ قهوه‌ای استفاده کرده است.
		پیرو دلا فرانچسکا، <sup>۲۹</sup> غسل تعمید مسیح، ۱۴۴۵، رنگ و روغن، لندن: نگارخانه ملی (Longhi, 2017: 100).	قدیس یحیی در حال تعمید دادن مسیح و با شنل شاگی با رنگ قهوه‌ای روشن به نمایش درآمده است.
		لئوناردو داوینچی و آندرتا دل وورروکیو، <sup>۳۰</sup> غسل تعمید مسیح، ۱۴۷۵ م. فلورانس، گالری اوفیتزی <sup>۳۱</sup> (Angelini, 2014: 40).	قدیس یحیی در حال تعمید دادن مسیح و با شنل شاگی با رنگ قهوه‌ای بسیار تیره به نمایش درآمده است.

به گونه‌ایی که در بسیاری از مجسمه‌ها و نقاشی‌ها، به تنهایی، موضوع کار هنرمندان بوده است. قطعاً، یکی از زمینه‌های پژوهش‌های میان رشته‌ای در حوزه فرهنگ، مطالعات مربوط به نسبت دین و هنر است. به واقع، می‌توان دوره‌هایی در تاریخ مشاهده کرد که نقطه امتزاج مذهب و هنر هستند. هرچند این درآمیختگی هنر و مذهب همیشه در یک سطح نبود،

اما بی‌شک مذهب یکی از بسترهای مهم خلق اثر هنری محسوب می‌شود (پاکزاد و جلالی، ۱۳۹۶: ۷). امروزه یکی از نشانه‌های این قدیس در مبحث نشانه‌شناسی هنر مسیحیت همین شنل شاگی اوست (Giorgi, 2011: 142). این مسئله، جنبه‌ای مقدس به این شنل می‌بخشید و با توجه به این که در قرون وسطی، هنر در اختیار دین مسیحیت است، طبیعی است که هنرمندان زیادی به نمایش این شنل پرداخته باشند. در جدول ۳، تعدادی از آثار موجود در تاریخ هنر - که به نمایش این قدیس پرداخته اند - بررسی شده است.

لازم به ذکر است در دوره رنسانس، بارها، قدیس یحیی در حال تعمید دادن مسیح در رود اردن به نمایش درآمده است (Fossi, 2004: 286)؛ در شش اثر ذکر شده در جدول ۳، دو نکته مشترک است: یک، شنل شاگی قدیس و دو، رنگ قهوه‌ای آن. با توجه به یافته‌های جدول ۲، می‌توان گفت که رنگ غالب این شنل در قرون وسطی و دوره رنسانس، رنگ قهوه‌ای است که در تونالیته‌های مختلف به نمایش درمی‌آمده است. نکته بسیار مهم دیگر، تاریخ انجام مراسم غسل تعمید مسیح است. طبق قوانین دین مسیحیت، غسل تعمید مسیح، توسط قدیس یحیی در اولین یکشنبه بعد از نهمین روز ماه ژانویه اتفاق افتاده است. در سه انجیل مارکو، متی و لوقا به این مسئله اشاره شده است (Ehrman, 2007: 183-185). این ماه از سردترین ماه‌های سال در کشورهای اروپایی است و می‌توان گفت که در زمان غسل تعمید مسیح نیز این شنل نقش محافظت بدن از سرما را داشته است و به همین دلیل، شاهد حضور مستمر این شنل در نقاشی و مجسمه‌سازی، تا مدت‌ها بعد، هستیم.

### نتیجه‌گیری

منسوجات شمال اروپا، دست بافته‌هایی با قدمت تاریخی و ارزشمند هستند که از قرون وسطی تا به امروز مورد استفاده مردمان این منطقه قرار گرفته‌اند. از آن جایی که کشورهای شمالی اروپا، یکی از سردترین مناطق دنیا هستند، بنابراین، آب و هوا بر روی نوع پارچه‌های مورد استفاده و پوشش مردم تاثیر مستقیم گذاشته است و همین دلیل، به تنهایی، می‌تواند عامل به وجود آمدن این نوع از منسوجات باشد. بررسی‌های تاریخی انجام شده، حضور این منسوجات را از قرن دهم و یازدهم میلادی تایید می‌کنند. پارچه‌های پرزدار انواع مختلفی دارند؛ اما از دو گروه کلی تشکیل شده اند: گروه اول، منسوجاتی

- <sup>22</sup> Bruges.  
<sup>23</sup> Dublin Viking.  
<sup>24</sup> نمونه اصلی امروزه از بین رفته و آنچه که از آن می‌دانیم از مطالعه مدارک مختلف به دستمان رسیده است.  
<sup>25</sup> Giovanni de Bonino.  
<sup>26</sup> Ferrara.  
<sup>27</sup> Donatello.  
<sup>28</sup> Chiesa di Santa Maria Glorizza.  
<sup>29</sup> Piero della Francesca.  
<sup>30</sup> Andrea del Verrocchio.  
<sup>31</sup> Galleria degli Uffizi.

#### منابع

- پاکزاد، زهرا و جلالی، سارا (۱۳۹۶). موضوعات مذهبی در نقاشی های مدرن و پست مدرن، *جلوه هنر، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲، ۷-۲۰*.  
 فریود، فریناز و فرهنگ‌پور، یاسمن (۱۳۹۶). *جستارهای هنر رنسانس، تهران: نسل روشن*.  
 کاتب، فاطمه و مافی‌تبار، آمنه (۱۳۹۸). بازخوانی شیوه‌های طبقه‌بندی طرح و نقش پارچه‌های تاریخی ایران، *جلوه هنر، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۲، ۶۷-۸۰*.

#### References:

- Angelini, A. (2014). *Piero della Francesca*, Rome: Motta 24 ore Cultura.  
 Cavazzini, L. (2005). *Donatello*, Rome: L'Espresso  
 Ehrman, A. (2007). *Gesù non l'ha mai detto: Millecinqecento anni di errori e manipolazioni nella traduzione dei vangeli*, Milan: Arnoldo Mondadori.  
 Farbod, F. & Farhangpour, Y. (2018). *Queries of Renaissance art*, Tehran: Nasleroshan (Text in Persian).  
 Fossi, G. (2004). *Uffizi*, Florence: Giunti.  
 Geijer, A. (1938). *Die Textilfunde aus den Gräbern. Birka: Untersuchungen und Studien, III. Uppsala*. Stockholm: Almqvist & Wiksells.  
 Giorgi, R. (2011). *I santi e i loro simboli*. Milan: Mondadori.  
 Guðjónsson, Elsa E. (1962). Forn röggvarvarnfaður. *Árbók hins Íslenska Fornleifafélags. Ísafoldarprentsja H.F.* Pp 12-71.  
 Heckett, Elizabeth W. (1990). An Irish 'Shaggy Pile' Fabric of the 16th Century an Insular Survival?" *Archaeological Textiles in Northern Europe: Report from the 4th NESAT Symposium*. 1-5. May 1990 in Copenhagen, ed. Lise Bender Jørgensen & Elisabeth Munksgaard, pp. 158-168  
 Henshall, Audrey S. (1951). Early Textiles Found in Scotland, Part I: Locally Made. *Proceedings of the Society of Antiquaries of Scotland*. 86 (1):1-29.  
 Kateb, F., Mafitabar, A. (2019). Restudying the Historical Textiles in Iran (Based on Methods of Classifying Designs and Motifs), *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 11(2), 67-80. doi: 10.22051/jjh.2018.15856.1257 (Text in Persian).  
 Lindström, M. (1981). *Medieval Textile Finds in Lund*, In: Textilsymposium Neumünster: Archäologische Textilfunde, pp. 179-191.  
 Longhi, L. (2017). *Piero della Francesca*. Milan: Abscondita.  
 McClintock, H.F. (1936). The "Mantle of St. Brigid" at Bruges. *The Journal of the Royal Society of Antiquaries of Ireland*. 6 (1): 32-40  
 Merrills A and Miles, R. (2010) *The Vandals*, Chichester: Blackwell.  
 Pakzad, Z., Jalali, S. (2018). Religious Themes in Modern and Post-Modern Paintings (A Case Study of Paul Gauguin, Francis Bacon, Mimmo Paladino and Robert Gober), *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 9(2), 7-20. doi: 10.22051/jjh.2017.11092.1147 (Text in Persian).  
 Peter Wild, J. (2000). *Archeological Textiles newsletter*, No.31 Autumn 2000 London.  
 Pritchard, F. (1990). Aspects of the Wool Textiles from Viking Age Dublin, *Archaeological Textiles in Northern Europe: Report from the 4th NESAT Symposium*. 1-5. May 1990 in Copenhagen, ed. Lise Bender Jørgensen & Elisabeth Munksgaard, pp. 93-104.  
 Schlabow, K. (1974). Vor und frühgeschichtliche Textilfunde aus den Nördlichen Niederlanden. *Palaeohistoria*. 16 (1): 169-221.  
 Sencer, Yvette J. (1985). Threads of History. *Fashion Institute of Technology Review*, 2(1): 5-10.  
 Stokstad, M. (2016). *Art History, vol I: Medieval Art*. London: Kansas.  
 URL1: <https://conserving-curiousities.blogspot.com/2013/11/> (Access date: 12.4.2019)  
 URL2: <http://textileartscenter.com/blog/velvet-conquest-2/> (Access date: 10.4.2019)  
 URL3: [https://wiki.aineetonkulttuuriperinto.fi/wiki/The\\_rya\\_tradition\\_in\\_Vesilähti](https://wiki.aineetonkulttuuriperinto.fi/wiki/The_rya_tradition_in_Vesilähti) (Access date: 02.4.2019)

هستند که پرز روی آن‌ها دوخته شده و پرز و پارچه از هم جدا هستند. در گروه دوم، پرزها بخشی از بافت پارچه هستند؛ که مهم‌ترین آن‌ها شنل شاگی است. از این رو، این مقاله، به بررسی ابعاد تاریخی و تکنیکی منسوجات مذکور پرداخته و بازسازی نوع شاگی را به عنوان مطالعه موردی، بررسی کرده است. طبق مدارک موجود در آرشیوهای مختلف، هفت شنل شاگی به جای مانده از قرون وسطی در دنیا وجود داشته‌اند، که محققین در قرن بیستم از آن‌ها در نوشته‌هایشان یاد کرده‌اند و متاسفانه، امروزه اصل آن‌ها از بین رفته‌اند و تنها نمونه به جای مانده در دنیا، شنلی در کلیسای جامع قدیس سالوادور در کشور بلژیک است. طبق مطالعات انجام شده، این نوع شنل در قرون وسطی طوری بافته می‌شده که پرزها فقط یک روی پارچه دیده شوند و از پشت پارچه قابل تشخیص نباشند و می‌توان به این نتیجه رسید که، این پارچه‌ها، صرفاً برای پوشیدن و حفظ بدن در مقابل سرما مورد استفاده بوده‌اند. اما با تطبیق این منسوجات با هنر مذهبی قرون وسطی و رنسانس این نتیجه حاصل می‌شود که، شنل‌های یاد شده دارای ارزش دینی نیز می‌باشند. این شنل در هنر قرون وسطی و رنسانس، به‌عنوان شنل معروف قدیس یحیی تعمید دهنده، بارها، در مجسمه‌ها و نقاشی‌ها به نمایش درآمده است. این شنل لباس مخصوص این قدیس و به نوعی معرف وی در مبحث نشانه‌شناسی است. قدیس یحیی در آن جایی که، تعمید دادن حضرت مسیح در فصل زمستان اتفاق افتاده است، می‌توان استفاده از شنل پرزدار را به گونه‌ای پیروی از او به حساب آورد. بنابراین، می‌توان گفت این شنل‌ها، علاوه بر محافظت بدن از سرما دارای ارزش دینی نیز می‌باشند.

#### پی نوشت

<sup>1</sup> Audrey Henshall.

<sup>2</sup> Guðjónsson.

<sup>3</sup> Schlabow.

<sup>4</sup> Heynes.

<sup>5</sup> Dublin.

<sup>6</sup> The Isles of Man & Figg.

<sup>7</sup> York.

<sup>8</sup> Birka & Lund.

<sup>9</sup> Wolin.

<sup>10</sup> Opole.

<sup>11</sup> Oder.

<sup>12</sup> Rya.

<sup>13</sup> Shaggy.

<sup>14</sup> Vandals: از قبایل قدرتمند آلمان شرقی بودند که در سده پنجم میلادی بخش‌هایی از امپراطوری رم را به تصرف خویش درآوردند.

<sup>15</sup> Snorri Sturlson.

<sup>16</sup> Heimkringla.

<sup>17</sup> Haraldr Gráfeldr.

<sup>18</sup> Adam Bermen.

<sup>19</sup> Faldones.

<sup>20</sup> Grágás.

<sup>21</sup> St. Brigid.



# Historical and Technical Studies of the Fluffy Nordic Textile from Medieval Era<sup>1</sup>

A. Abdolsalami<sup>2</sup>

Received: 2019-07-08

Accepted: 2019-11-11

## Abstract

Textiles are presented in various ways as one of the basic human needs and also one of his most important and most applicable inventions which can be studied in three parts: historical, technical and chemical. From the beginning of the spinning invention in the ancient world to the present century, in addition to the techniques, texture and quality of used materials, the culture and geography of each region are influential factors in how different types of fabric are formed and designed. Hence, it is an obvious fact that certain types of textiles in the world are presented by the particular geographic region that are not known and used in other regions. During Medieval era everything in Western societies such as culture, art, economics, etc. was given to the Christian religion and the church. In museums around the world can find a variety of artifacts, including medieval surviving fabrics that have appeared in a purely religious approach to symbolism. In most cases, the difference between fabrics has been manifested in the field of symbolism; but in Northern Europe, the difference between fabrics is not merely symbols and techniques; but because of their particular geographical location and cold weather, historically, people in these areas have provided the world with certain fabrics whose main purpose was to protect the body from the cold, and is still used by the inhabitants of this areas today. In this study, it is assumed that these textiles were used only to protect the body against cold and that it is of great value because of its use in religious doctrines. In the present study, we have tried to use library research method and related documents to introduce and describe various types of pile cloak used in medieval in the northern European countries, which have not been the focus of attention for textile researchers so far. This paper seeks to answer these questions: What is the historical origin and application of these particular textiles? How is the weaving method of shaggy fluffy cloak? And why is it more religiously valuable? The statistical population of this study is the most famous woolen shawls left in various churches and museums around the world, matching them with shown fluffy cloak in six major artworks from the Medieval Era and the Renaissance. For the first time between 1950 and 1980 many researchers and archaeologists like Henshall, Guðjónsson and Schlabow studied textiles discovered in northern Europe from the middle Ages, including the Netherlands, Iceland, and Scotland, and referred to fluffy textiles.

Historical studies have confirmed the presence of these textiles from the tenth and eleventh centuries. Fluffy fabrics have different types, but they consist of two general groups: the first group is textiles on which the lint is sewn on them and the lint and fabric are separated. In the second group, lint is part of the fabric texture, the most important of which is the Shaggy. All of the medieval Shogi textiles, except the two which mentioned in this article, have been lost throughout history, and today there are only a handful of books and archives left. In this study, we identified and cited 7 examples cited in various sources. The leading essay examines these important achievements of fabric history in two sections of historical and technical studies, and finally outlines the reconstruction of one of a variety of these textiles in order to create new horizons for researchers in related fields. These textile in Medieval and Renaissance art, as the famous Saint of John the Baptist, has been exhibited many times in sculptures and paintings. This fluffy cloak is a special outfit of this saint and somehow represents him in the field of semiotics. The results of this study indicate a direct relationship between the production of fluffy cloak and religious teachings.

**Keywords:** Northern Europe, Textiles, Cloak, Fluffy.

<sup>1</sup>DOI: 10.22051/jjh.2019.27143.1425

<sup>2</sup> Master of Textile Design, Department of Textile Design, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.  
[a.abdolsalami@alzahra.ac.ir](mailto:a.abdolsalami@alzahra.ac.ir)